

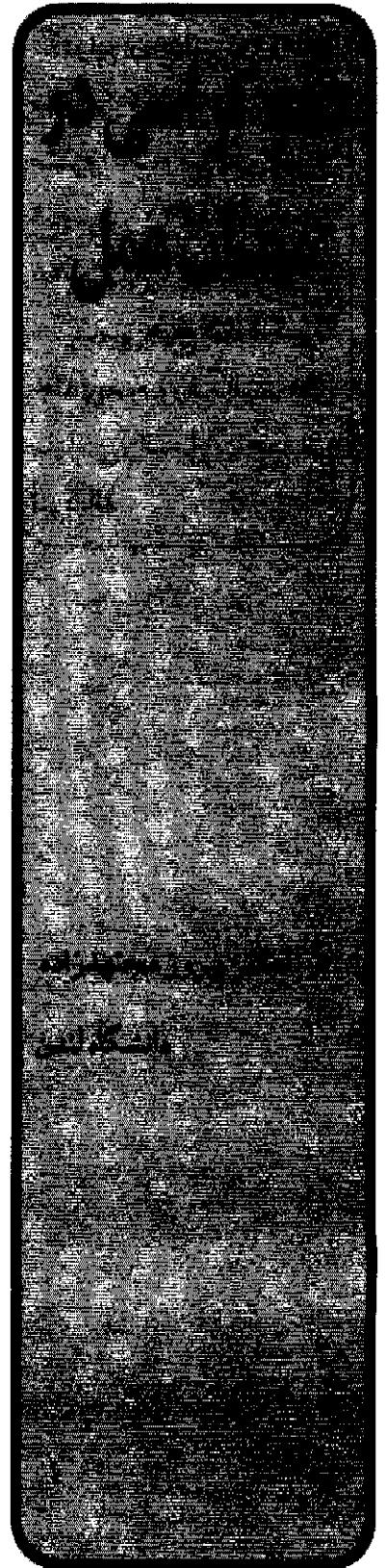
روز چهارشنبه هشتم بهمن ۱۳۸۲، باروشن شدن نتیجه تحقیقات کمیسیون داوری هاتون درباره علل خودکشی دیوید کلی David Kelly، کارشناس تکنولوژی شیمیایی که برای دولت بریتانیا کار می کرد، بی گمان صفحه تازه ای در تاریخ روابط سیاستمداران (دولتمردان) و روزنامه نگاران در یک دموکراسی ورق خورده است. شیوه کار و داوری لرد هاتون Lord Hutton، قاضی بلندپایه انگلیسی در مجلس لردان در رسیدگی به پرونده این ماجرا و تهمت هایی که خبرنگار بنگاه سخن پراکنی بریتانیا (بی بی سی BBC) به دولت و شخص نخست وزیر زده بود، از موارد پر اهمیتی است که نه تنها بر زندگی دموکراتیک در بریتانیا مؤثر است، بلکه توجه به آن برای جوامعی مانند ایران که به سوی زندگی دموکراتیک گام برمی دارند، می تواند مفید و آموزنده باشد، زیرا این رویداد دموکراسی را در «عمل» به نمایش می گذارد.

چنان که به یاد داریم دکتر دیوید کلی، کارمند رسمی دولت بریتانیا و از کارشناسان بنام در زمینه تکنولوژی و سلاح های شیمیایی و میکروبی که در بررسی های مربوط به این گونه سلاح ها در عراق و دیگر کشورها شرکت داشت و آوازه ای به هم زده بود، در مصاحبه با اندرو گیلیگان Andrew Guilligan خبرنگار بی بی سی مطالبی عنوان کرد و پرده از برخی از رمز و رازها درباره پرونده ای برداشت که دولت بریتانیا، به کمک دستگاه های اطلاعاتی، برای همراه ساختن مردم این کشور با استراتژی حمله نظامی به عراق، تهیه کرده بود خبرنگار یاد شده با استفاده از گفته های دکتر کلی، به عنوان «منبع موثق» دولتی، گزارشی از چگونگی آماده شدن این پرونده منتشر کرد که در آن نخست وزیر، وزیر دفاع، رئیس روابط عمومی دولت و برخی از صاحب منصبان اطلاعاتی متهم به دخل و تصرف و دستکاری های غیر قانونی در پرونده شده بودند. این گزارش که از سوی بنگاه سخن پراکنی رسمی بریتانیا انتشار یافت، در سطح جهانی اثر تبلیغاتی ویران کننده ای بر جای گذارد و در سایه آن نخست وزیر بریتانیا به عنوان سیاستمداری بی صداقت معرفی شد که برای

«فریب» افکار عمومی و «منحرف» کردن پارلمان و جامعه به سود برنامه جنگی دولت در مورد عراق، دست به چنین «بیرنگ»ی زده است.

با توجه به سنگینی این تهمت ها، دفتر نخست وزیر به بی بی سی اعتراض کرد و رسانه های عمومی نیز که حس کنجگاریشان برانگیخته شده بود، خواستار افشای نام «منبع موثق» مورد استناد گیلیگان شدند و دولت و وزارت دفاع را سوال پیچ کردند. دکتر کلی در مصاحبه با خبرنگار دیگری، با ذکر نام و نشانی خود مطالبی مطرح کرد و در جلسه کمیسیون ویژه مجلس عوام نیز توضیحات مبسوطی داد. اگر چه وی بعد اقرار کرد که توضیحاتش به کمیسیون مجلس شامل همه حقایق نبوده است، ولی مجموعه این سخنان و رفتارها آشکار سبب سوءظن عمومی نسبت به دکتر کلی به عنوان «منبع موثق» دولتی مورد ادعای اندرو گیلیگان شد و دولت برای این کسه در برابر پرسش های بی پایان رسانه ها متهم به پنهان کاری نشود، افشای نام دکتر کلی را در آن خصوص مجاز ساخت.

دکتر کلی که کارشناسی برجسته و ورزیده بود، ظاهر آ از مجموع این پیشامدها و این که ناخواسته در مسیر ماجراهای اطلاعاتی و تبلیغاتی قرار گرفته و قار علمی و بی طرفی حرفه ای اش خدشه دیده بود سخت پریشان شد و تصور این که به عنوان کسی معرفی گردد که تهمت های خود نسبت به دولت را زیر پا گذاشته است و در جامعه داخلی و بین المللی به صورت همکار عوامل اطلاعاتی و وسیله ای در دست خبرنگاران شناخته شود، او را چنان دچار ناراحتی و افسردگی ساخت که تصمیم گرفت به زندگی خود خاتمه دهد. انتشار خبر خودکشی کلی عرصه را بر نخست وزیر و همکارانش در دولت تنگ تر کرد و آنان متهم شدند که با هموار کردن راه برای افشای نام دکتر کلی، خودکشی او را سبب شده اند. بازار شایعه داغ شد و نخست وزیر و دولتش در معرض انواع اتهامات قرار گرفتند، حتی به قتل رساندن کلی از جمله، همکیشان دکتر کلی این شایعه را (البته میان ایرانیان مقیم بریتانیا) پراکنندند که چون دکتر دیوید کلی به



فرقه‌بهای پیوسته بوده، دولت بریتانیا خواسته است او را نبود کند؛ یعنی از همان دست کارهای کوه‌نپینه که متأسفانه در فرهنگ سیاسی ایرانی ریشه‌دار است و از آفتهای اساسی و یازدارنده توسعه سیاسی در جامعه ایرانی شمرده می‌شود. در این زمینه، گفتمنی است تا هنگامی که شخصیت‌های مستقل و منتقدان دانشگاهی و رسانه‌ای در ایران از سوی چپ‌گرایان افراطی متهم به همکاری با راست‌گرایان شوند و راست‌گرایان افراطی نیز آنان را بی‌سند و مدرک یا حتی دلیلی که اندکی بالاتر از اقامت داشتن منتقد در خارج از کشور باشد، «عوامل» انگلیس و آمریکا و... قلمداد کنند، جامعه ایرانی نمی‌تواند چنان که باید در راه دموکراسی گام بردارد. توجه به این نکته اهمیت بسیار دارد که جهان سیاسی در سده بیست و یکم وارد دوران بسیار حساسی شده است؛ دورانی که بقای جوامع مستقیماً به حاکمیت مطلق قانون و دموکراتیک شدن محیط سیاسی بستگی تام پیدا کرده است.

به هر حال، شدت گرفتن جنگ تبلیغاتی و بروز ماجراهای یادشده همزمان شد با مخالفت‌های روبه‌گسترش یا تصمیم دولت بریتانیا در همراهی همه‌جانبه با ایالات متحده در جنگ عراق که فشارها بر دولت و شخص نخست‌وزیر را به گونه‌ای طاقت‌فرسا افزایش داد. ناظران شاهد بودند که چهره نخست‌وزیر در این دوره شش ماهه چنان در هم شکسته شده که گویی عمرش به دو برابر رسیده است. از سوی دیگر، ماجرای شگفت‌آوری به راه افتاده بود که از يك سو وقار و استقلال فکری و اعتبار شخص نخست‌وزیر و دولت، و از سوی دیگر استقلال سیاسی و درستکاری بی‌بی‌سی، این بزرگترین و معتبرترین رسانه جهان (از دید خود آن مؤسسه) را مورد سؤال قرار می‌داد. فواین سنتی و نانوشته بریتانیا (Common Law) حکم می‌کند که در چنین مواردی يك کمیسیون «مستقل» و «بی‌طرف» در دادگاه عالی بریتانیا تشکیل شود و موضوع را مورد رسیدگی قرار دهد.

ریاست این کمیسیون باید به يك قاضی بلندپایه عضو مجلس لردان سپرده شود که به درستکاری

مشهور و استقلال عمل و عدالت‌گرایی‌اش مورد تأیید همگان باشد. برابر همین سنت، اختیار تشکیل این کمیسیون با نخست‌وزیر است و اوست که می‌تواند حکم به تشکیل چنین کمیسیونی بدهد. معمولاً نخست‌وزیران از تشکیل چنین کمیسیون‌هایی که پای خودشان را به میان بکشند اکراه دارند. برای نخست‌وزیر در بریتانیا، همانند رئیس‌جمهور در دیگر کشورها، بسیار دشوار است که به دادگاه کشیده و بازجویی شود و شأن و شخصیت و درستکاری‌اش به گونه رسمی و آشکار مورد تردید و دوری حقوقی قرار گیرد. با این حال، به جای طفره رفتن و توسل به اقداماتی پرش برانگیز از راه سوءاستفاده از اختیارات مربوط به شغل و مقام دولتی که یکسره خلاف قانون است و در جوامع غیر دموکراتیک بسیار شایع، و به جای دست زدن به شگردهای تبلیغاتی در برابر مخالفان و کمک گرفتن از یاران مطبوعاتی برای خفه و خاموش کردن انتقادکنندگان، نخست‌وزیر بریتانیا لرد هاتون، قاضی عالی رتبه در مجلس لردان را که صاحب ویژگی‌های یادشده بود، مأمور تشکیل این کمیسیون و رسیدگی به ماجرا کرد. وی در حالی دست به این کار زد که خوب می‌دانست خود او و یکی دو تن از وزیرانش باید در دادگاه عالی بریتانیا حاضر شوند و در پای میز محاکمه مورد پرسش قرار گیرند، چرا که نظام دموکراتیک کشور، حاکمیت مطلق قانون را تضمین می‌کند و قانون بر همگان در جامعه چیره و مسلط است.

گزارشی که لرد هاتون در روز چهارشنبه هشتم بهمن ماه انتشار داد، نتیجه بیش از شش ماه مطالعات یکسره بی‌طرفانه و بررسی موشکافانه جزئیات مسأله و محاکمه بی‌رحمانه و دقیق همه کسانی بود که حتی به کمترین دلیلی به این پرونده مربوط می‌شدند. نتایج این بررسی و مطالعه بی‌درنگ مورد قبول طرف‌های درگیر قرار گرفت و همگان به حکم قانون که داور نهایی در يك جامعه دموکراتیک است، در برابر این داوری سرفرود آوردند. نخست‌وزیر و دولت‌اش از همه اتهامات مبرا شدند، خبرنگار بی‌بی‌سی خطا کار اصلی شناخته

○ پاروشن شدن نتیجه  
بررسی‌های کمیسیون داوری  
هاتون، بی‌گمان صفحه  
تازه‌ای در تاریخ روابط  
سیاستمداران (دولتمردان)  
و روزنامه‌نگاران در يك  
دموکراسی ورق خورده  
است. داوری لرد هاتون،  
قاضی بلندپایه انگلیسی، و  
پیامدهای آن از موارد  
پراهمیتی است که نه تنها بر  
زندگی دموکراتیک در  
بریتانیا مؤثر است، بلکه  
توجه به آن برای جوامعی که  
به سوی زندگی دموکراتیک  
گام برمی‌دارند می‌تواند  
سودمند و آموزنده باشد،  
زیرا دموکراسی را در «عمل»  
به نمایش می‌گذارد.

شد و شیوه ویراستاری خبری بی‌بی‌سی سخت مورد انتقاد قرار گرفت. همچنین، کمیسیون دآوری لرد هاتون، ضمن تجلیل از خدمات حرفه‌ای دکتر دیوید کلی، تماس و گفت‌وگوی خودسرانه‌ی او با خبرنگار بی‌بی‌سی را یک خطای آشکار اداری قلمداد کرد.

بی‌بی‌سی یک بنگاه خبررسانی دولتی است که مدیرعاملش از سوی نخست‌وزیر منصوب و بودجه‌اش از طریق مالیات مستقیم، سنگین، و ویژه‌ای که در حقیقت شهروندان می‌پردازند، تأمین می‌شود. با این حال، این بنگاه در برابر دولت کاملاً مستقل است، آزادی عمل کم‌مانندی دارد و بیش از هر رسانه‌ی خصوصی کارکرد دولت را زیر ذره‌بین برده و مورد انتقاد قرار می‌دهد. از سوی دیگر، همین استقلال عمل بی‌مانند نه تنها سبب گسترش گونه‌ی ویژه‌ای از خودکامگی رسانه‌ای شده و این بنگاه خبری و تبلیغاتی بزرگ و صاحب نفوذ در جهان در موارد گوناگون نسبت به سیاست‌های داخلی بریتانیا و دیگر کشورهای جهان دیدگاه یا برنامه‌ی سیاسی «خود» را پیگیری می‌کند، بلکه شرایطی پدید آورده است که بسیاری از نویسندگان، تهیه‌کنندگان برنامه‌ها و گزارشگران با گرایش‌های سیاسی ویژه نیز در این دستگاه از آزادی‌های موجود بیشترین بهره را گرفته و به جای گزارش کردن و تفسیر رویدادها، رویداد خلق کنند. و این دقیقاً کاری بود که اندرو گیلیگان با نتایجی دلخراش برای بی‌بی‌سی و دولت، بدان پرداخت. رفتار بی‌بی‌سی نسبت به مسائل سیاسی ایران، بویژه در سه دهه‌ی اخیر و جهت‌گیری‌های آشکار مفسران و خبرنگارانش به سود یا زیان گروه‌ها و قطب‌های سیاسی ایران در این دوران، مانند جهت‌گیری‌های دوره‌ای و متفاوت نسبت به رژیم گذشته، بر خورد اهانت‌آمیز با مصدق در گذشته و تجلیل سئوال برانگیز از او در شرایط کنونی (تلویزیون بی‌بی‌سی ۲۴-نخستین ساعات بامداد ۲۹ اسفند ۱۳۸۱)، جهت‌گیری‌های دوستانه و خصمانه‌ی دوره‌ای نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی، مخالفان آن در داخل و خارج و... نمونه‌هایی است گویا، که می‌تواند برای ما ایرانیان

آگاه‌کننده باشد. تغییر نام خلیج فارس و تبدیل آن در بریتانیا به «خلیج» تزویری بوده است که بی‌بی‌سی برای اعتلای ارتباط‌های اقتصادی دولت بریتانیا با حکومت‌های عربی مانند حکومت بعث عراق به کار بسته و به صورت سنتی‌سختیف بر جای گذارده و هنوز حاضر به اصلاح این خطای بزرگ نیست.

از سوی دیگر، یک شهروند یا یک رسانه‌ی ملی یا محلی می‌تواند در برخورد با مسائل سیاسی کشور خود تغییر اندیشه یا روش دهد، اما تغییر دوره‌ای رفتار سیاسی یک رسانه‌ی خارجی نسبت به مسائل داخلی کشور دیگر نمی‌تواند برکنار از مصلحت‌اندیشی‌های سیاسی دوره‌ای خارجی فرض شود و ناشی از صداقت قلمداد گردد. گفتنی است که این شیوه‌پیرسش برانگیز خبررسانی بی‌بی‌سی لزوماً همیشه منعکس‌کننده‌ی خواست‌های سیاسی دولت بریتانیا نیست بلکه گاهی می‌تواند ناشی از پیگیری خواست‌های برخی محافظ سیاسی داخلی بریتانیا یا منافع سیاسی ویژه‌ی نیروهای خارجی (اسرائیل، ایالات متحده و...) باشد؛ ولی در بیشتر موارد این گونه رفتارها متأثر از جهت‌گیری‌های سیاسی و سلیقه‌ای خود بی‌بی‌سی با کارکنان آن است. همچنین شایان توجه است که نارسایی‌های شیوه و نظام خبررسانی در ایران در گذشته، تنها عامل روی آوردن برخی از ایرانیان به منابع خبری-تبلیغاتی خارجی و اعتماد نشان دادن به آن منابع نبوده است، بلکه رفتار یادشده بی‌بی‌سی در این جهت‌گیری عمومی در ایران سخت تأثیر داشته است.

به هر حال، اندکی پس از انتشار گزارش کمیسیون دآوری هاتون، مدیرعامل بی‌بی‌سی با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد که به پیروی از یک سنت پسندیده در دموکراسی بریتانیایی که رئیس یک سازمان دولتی یا غیردولتی مسئول نهایی عملکرد آن سازمان است، در برابر نظر لرد هاتون سر فرود می‌آورد و از مقام خود کناره‌گیری می‌کند. در پی آن، رئیس کل بی‌بی‌سی نیز، به همان دلیل، از مقام خود کناره گرفت. البته برخی از روزنامه‌نگاران، به غلط، این دآوری را نقطه‌ی آغازی

○ واکنش تحسین‌انگیز  
مدیرعامل بی‌بی‌سی در برابر  
گزارش کمیسیون دآوری  
هاتون و بطور کلی احترام و  
سرسپردگی مستولان امور  
در بریتانیا به حاکمیت  
بی‌چون و چرای قانون  
هنگامی بهتر و بیشتر نمود  
می‌یابد که با خود کامگی  
مدیران و رؤسای نهادها و  
سازمانها در جوامع  
غیردموکراتیک سنجیده  
شود که نه تنها اعتبار و ارزش  
دستگاهی را که بر آن ریاست  
دارند به هیچ می‌گیرند و  
سازمان دولتی را «ملک  
شخصی» خود می‌شمارند،  
بلکه در برابر چشمان خیره  
شده‌ی جامعه، آشکارا با قانون  
بازی می‌کنند.

برای محدود کردن آزادی‌های مطبوعاتی دانسته‌اند و بر پایه همان برداشت نادرست، از کار نادرست اندرو گیلیگان دفاع کرده‌اند. درست است که آزادی در خبررسانی و استقلال عمل رسانه‌ها نقشی حیاتی در واقعیت بخشیدن به دموکراسی و بقای آن دارد و بی‌بی‌سی در این زمینه پیشگام و پرچمدار بوده و هست، اما روزنامه‌نگار نیز باید بداند که قانون بر او هم چیره است و اگر همکاری دچار خطا شده و صداقت در کار را، به تأیید خودش و به تأیید مدیرانش و به حکم داورى قانونى زیر پا گذاشته است، برای پشتیبانی از او نباید به همبستگی‌های صنفی توسل جوید و در برابر رأی قانونی داور بیطرف بایستد. او باید مصلحت عمومی و خیر بزرگ جامعه، یعنی حفظ حاکمیت مطلق قانون را مورد توجه قرار دهد. او باید از مدیرعامل بی‌بی‌سی بیاموزد که گفت از آنجا که

بی‌بی‌سی يك مؤسسه اطلاع‌رسانی بسیار پراهمیت است و شهرت و اعتبار جهانی دارد، مقاومت در برابر واقعیتی که به گونه قانونی مورد داورى قرار گرفته و تأیید شده است، تنها می‌تواند لطمه بیشتری به اعتبار آن مؤسسه بزند. این واکنش تحسین برانگیز و دموکراتیک، و این احترام و سرسپردگی به حاکمیت مطلق قانون هنگامی بهتر و بیشتر نمود می‌یابد که با خودکامگی مدیران و رؤسای نهادها و مؤسسات پراهمیت در جوامع غیر دموکراتیک مقایسه شود که در راه حفظ پست و مقام خود، نه تنها اعتبار و ارزش دستگاهی را که بر آن ریاست دارند به هیچ می‌گیرند، و نه تنها حاضرند همه چیز و همه کس را فدای بقای «مالکیت شخصی» خود (!) نسبت به آن مؤسسه عمومی کنند، بلکه قانون را پیش چشمان خیره‌شده جامعه به تمسخر می‌گیرند.

○ جهان سیاسی در سده بیست و یکم وارد دوران بسیار حساسی شده است؛ دورانی که بقای جوامع، به حاکمیت مطلق قانون و دموکراتیک شدن محیط سیاسی بستگی تام پیدا کرده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی